

اثر گذاری اقناع در افعال ارادی از دیدگاه فارابی و ابن‌سینا^۱

نادیا مفتونی^۲

فتانه توانا پناه^۳

چکیده

نقش اقناع در جریان فعل ارادی نزد فارابی و ابن‌سینا در پرتو توجه به نوعی تمایلات عاطفی در مخاطبان از اهمیت برخوردار است. بررسی دو وجه فعلی و انفعالی اقناع سبب اعتبار آن به عنوان نوعی خاستگاه برای افعال ارادی است. عامی بودن اکثریت افراد و تبعیت آن‌ها از امیال در افعالشان، در بعد فعلی نقش انگیزش و خاستگاه آن (اقناع) را در صدور فعل ارادی آشکار می‌سازد. در بعد انفعالی نیز تبعیت نظری و عملی افراد از انفعالات و اهمیت سکون نفس، نقش اقناع را نشان می‌دهد. تأکید فارابی و ابن‌سینا بر اهمیت میل در بعد روانشناختی در انسان‌ها از یک سو توجه به انگیزش در جهت‌دهی به امیال را تبیین می‌کند و از سوی دیگر انفعالاتی نظیر سکون نفس، بستر لازم برای صدور فعل ارادی و میل به انجام آن را در فرد فراهم می‌سازد. بنابراین اقناع با ایجاد انگیزش، سکون نفس و سایر انفعالات، از دو وجه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: ۱- از وجه ایجابی با ایجاد تمایل به افعال موافق؛ ۲- از وجه سلبی با هموار نمودن موانع عاطفی صدور فعل از قبیل بیگانگی و عدم انس مخاطب نسبت به فعل.

واژگان کلیدی

افعال ارادی، تمایلات عاطفی، انگیزش، سکون نفس، اقناع، فارابی، ابن‌سینا

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۴/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱

۲- دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

۳- کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران

طرح مسأله

خاستگاه افعال ارادی همواره یکی از مسائل مورد توجه حوزه‌های مختلف فکری بوده است. حکمای اسلامی اموری چون صور علمی، میل نفس، شوق و تشدید آن را در فعل ارادی به عنوان مبادی فعل مطرح کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۲-۶۳). تحقیق حاضر در پی تعیین جایگاه اقناع و کیفیت اثرگذاری آن در افعال ارادی است. منظور از اقناع، متقاعد کردن مخاطب است که در این جا به عنوان اصلی‌ترین محصول صنعت خطابه و فعل خطابی مطرح است (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۲؛ همو، ۱۹۸۶ م، ص ۱۴۸).

این مسأله نزد فارابی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا وی در مواردی اقناع را بر برهان - در نسبت با موضوعات و اشخاص خاصی - برتری داده است (همو، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۲۰-۱۲۲؛ ص ۱۸۴؛ ص ۱۸۱-۱۷۸؛ ص ۱۷۶-۱۷۵؛ همو، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۲۲۱-۲۲۲؛ همو، ۱۹۹۵ م، ص ۱۴). طراحی اختصاصی این مسأله در سیستم فلسفی وی می‌تواند پرسش از مواجهه وی با اقناع در سطح فعلی و رفتاری باشد که در این بعد فارابی چگونه به اقناع، نظر دارد؟ آیا موضعی که وی در نقش اقناع در افعال اتخاذ می‌کند همان موضعی که در آن اقناع در بحث معرفتی (نظری) بر برهان در نسبت برخی اشخاص و موضوعات پیشی می‌گیرد و کارآمدتر محسوب می‌شود، مشابه همان موضعی است که در سطح نظری از آن سخن گفته شد یا نه؟ و آیا در فلسفه فارابی می‌توان جایگاهی را به اقناع، در مبادی فعل ارادی اختصاص داد؟ بررسی مسأله تحقیق با توجه به دیدگاه ابن‌سینا درباره تصدیق‌پذیری و تصدیق‌ناپذیری گزاره واحد نیز از اهمیت برخوردار است به بیان وی گاه امری که در مرتبه عقلانی جایز است و به آن تصدیق می‌شود، در مرتبه عمل، به آن تصدیق نمی‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۵۴). عدم انعکاس تصدیقات نظری در سطح عمل که به معنای عدم تبعیت از صور علمی است، توجه به اقناع و انفعالات حاصل از آن را ضرورت می‌بخشد.

تعیین جایگاه اقناع در مبادی فعل ارادی از یک سو از حیث میناشناسی افعال ارادی اهمیت دارد و از سوی دیگر حرکات و افعال را تا اولین مرحله شکل‌گیری تبیین می‌کند. پرداختن به میناشناسی افعال ارادی ضرورت دارد. با شناخت اصناف تبعیت و گرایش‌های ذهن و اموری که باعث تک تک این اصناف می‌شوند، می‌توانیم هر حکمی که ما یا دیگران نسبت به آن منفعل می‌شویم را بشناسیم؛ بدانیم از کدام صنف است و چه اموری علت آن تصدیق هستند؟ و طبیعت آن امور و میزان انفعال حاصل از آن امور را بشناسیم (فارابی، ۱۴۰۴ هـ ص ۱۰۴). این سخن را می‌توان قرینه‌ای بر این که مسأله فوق محل تأمل فارابی بوده است، دانست. در این تحقیق با روشی توصیفی - تحلیلی، چگونگی اثرگذاری اقناع در افعال ارادی نزد فارابی و ابن‌سینا بررسی می‌شود. از تبعات پرداختن به این مسأله تأمل در جایگاه

انفعالات، امیال و هواهای نفسانی در شکل‌گیری افعال نزد افراد خواهد بود. تحقیقاتی که در میناشناسی افعال ارادی صورت گرفته است جایگاه اقناع را در چنین بعدی مورد توجه قرار نداده‌اند.

مبادی فعل ارادی

فعل ارادی می‌تواند مبادی متعددی از صور علمیه و فعالیت قوای محرکه را داشته باشد. قوای محرکه از قوای مدرکه اثر می‌پذیرند. قوای مدرکه اعم از ناطقه و دیگر قوای باطنی یعنی خیال، وهم و حس است. در نتیجه فعل ارادی منوط به گذر از سطح بررسی، سنجش، آگاهی و انتخاب است، لذا انجام هر فعل ارادی توسط انسان، با تصدیق به آن فعل، تصدیق به برتری آن و در نتیجه اولویت بخشیدن آن فعل بر سایر افعال تبیین می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۳-۶۲؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۸۴). کیفیت صور علمی نیز ملاحظه تحقیقی و تدقیقی را می‌طلبد این مسأله که آیا قوت و قدرت اثرگذاری هر صورت علمی با بقیه صور برابر است یا این تأثیر، در تناسب با مخاطب، شدت و ضعف می‌پذیرد، اصطلاح صورت‌های مأنوس نزد مخاطب را به میان می‌کشد (فارابی، ۱۹۹۵، ص ۱۰۱؛ همو، ۱۹۹۶، ص ۹۷). در واقع در تفاوت یک صورت تخیلی، اقناعی و یقینی در عرصه عمل در صورتی که آموزه‌هایی خلاف یکدیگر را داشته باشند و به تبع آن اعمالی متفاوت از یکدیگر را از شخص بطلبند، فارابی حق تقدم و سبقت را به صور تخیلی و اقناعی می‌دهد و در تبیین این امر، به مخاطب و انس او با چنین صوری توجه می‌کند (همو، ۱۹۹۶/الف، ص ۴۳-۴۲؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۸۶-۲۸۷). در بررسی مبادی فعل ارادی در مرتبه بعد از علم، انگیزش، شوق و تشدید آن، سبب تحریک فرد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۳-۶۲). در زیر جایگاه اقناع در صدور فعل ارادی بررسی می‌شود.

جایگاه اقناع در مبادی فعل ارادی

نقش عملی اقناع را با توجه به ابعاد فعلی و انفعالی آن در محورهایی همچون انگیزش و سکون نفس به عنوان دو مؤلفه اصلی اقناع می‌توان مطرح ساخت. بیان دیدگاه فارابی و ابن‌سینا در خصوص جایگاه امیال در افعال و تأثیرپذیری امیال از اقناع و انفعالات حاصل از آن نیز می‌تواند به عنوان نوعی مقدمه برای پرداختن به این دو بعد تلقی شود که سبب توجه به اقناع، به عنوان مبادی فعل ارادی می‌گردد. در بررسی این جایگاه باید توجه داشت هر فعلی با انفعالی همراه است و انفعال مخاطبان، نمایانگر نقش انگیزشی اقناع و صنعت خطابه است از این جهت نمی‌توان میان دو بعد فعلی و انفعالی خطابه، انفکاک قائل شد بلکه اگر فعلی توسط خطابه صورت گیرد همراه ایجاد انفعال در مخاطب خواهد بود. بررسی این فعل و انفعال به نحو تفصیلی و مستقل از یکدیگر، برای نشان

دادن ابعاد و اثرات هر یک از آن‌ها در سطح رفتاری افراد است.

جایگاه انگیزشی اقناع (وجه فعلی اقناع)

انگیزش از مهم‌ترین ویژگی‌های صنعت خطابه است (فارابی، ۱۴۱۳ هـ. ص ۱۶۷-۱۶۸ و ۱۷۲). فارابی از انگیزش، به «قدرت به حرکت واداشتن دیگران» تعبیری دیگر از انگیزش نزد فارابی است (همو، ۱۹۹۶ ب، ص ۸۸۱). این ویژگی از نظر وی بسیار مهم و از ویژگی‌های خواص جامعه به شمار می‌رود. از دیدگاه وی صرف شناخت برای عمل، کافی نیست بلکه بیشتر مردم برای عمل کردن نیاز به انگیزش و انگیزاننده دارند که آن‌ها را به انجام فعل، تشویق کند (همان، ۱۹۹۶ ب، ص ۸۷). اقناع به عنوان منشأ (خاستگاه) انگیزش سبب می‌شود افراد از روی میل و رغبت به انجام افعال بپردازند و می‌توان آن را از جهت ایجاد انگیزش به عنوان محرک درونی در برنامه‌ها مورد توجه قرار داد. وی در انگیزش مخاطبان، منفعت برهان را نسبت به خطابه محدود می‌داند و بیان اقناعی را بر بیان برهانی رجحان می‌دهد (همو، ۱۴۱۳ هـ. ص ۱۶۷-۱۶۸ و ۱۷۲؛ همو، ۱۴۰۵ هـ. ب، ص ۶۳؛ زیرا از دیدگاه وی برهان برای جمعیت کثیری که وی از آن‌ها به عوام تعبیر می‌کند، غامض و دور از درک است. این سختی سبب می‌شود نفس به آن در عرصه تصدیق میل نداشته باشد و عناد ورزی در مقابل آن را در پیش بگیرد. به تصریح وی نفوس از این قبیل تصدیقات فراری هستند^۱ (همو، ۱۴۰۱ هـ. ج، ۱، ص ۲۸۲). این برخورد نظری سبب می‌شود در بعد عملی هم برهان، نسبت به این جمعیت انبوه ناکارآمد شناخته شود. در بعد نظری راه‌های اقناعی به دلیل تناسب با فهم مخاطب و انس او با آنها، سبب تمکن و استقرار علوم نظری در نفوس می‌گردند (همو، ۱۴۱۳ هـ. ص ۱۶۷-۱۶۸). به اعتقاد فارابی در تحصیل فضایل و صناعات عملی، باید به افعال آن‌ها عادت کرد. چنین عادتی به دو طریق حاصل می‌شود، ۱- سخنان اقناعی و انفعالی که سبب می‌شود عزم مخاطب برانگیخته شود و با رغبت به انجام افعال موافق، سوق داده شوند؛ ۲- روش اکراه و اجبار است که در غیاب محرک درونی، به محرک بیرونی توسل شود (همو، ۱۴۱۳ هـ. ص ۱۶۴-۱۶۸).

وجه انگیزشی اقناع در سخنان ابن‌سینا نیز قابل مشاهده است (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ. ص ۶۵). از دیدگاه فارابی یکی از اغراض خطابه برانگیختن انفعالات و آراستن مخاطب به نوعی اخلاق است. مقصود از این کار طلب نوعی از فعل از صاحب و دارنده آن نوع از خلق است. ابن‌سینا آراسته‌سازی مخاطب به

۱- استفاده از واژه «بمقت» (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ. ص ۴). علاوه بر این که معنای کناره‌گیری کردن و صرف نظر کردن از آن تصدیق را می‌رساند، نوعی بار معنایی عاطفی نیز دارد که به معنای بی‌زاری جستن از چنین تصدیقی است (عبدالله، ۱۳۸۷، ص ۴۴۵).

نوعی خلق را در حيله که یکی از اصناف خطابه است مقدور می‌داند. به تصریح وی در حيله افعال برای چیزی یا ایهام برای خلقی افاده می‌شود که غرض از آن خود تصدیق نیست بلکه غرض از آن استدراج شنوندگان است (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۱۲ و ۹۶). چنین انگیزی با استفاده از سخنان انفعالی و خلقی صورت می‌گیرد. انفعالات با ایجاد شوق، فعل خاصی را از مخاطب طلب می‌کنند که در نبود آن انفعال، چنین فعلی به مرحله عمل نمی‌رسد (همان، ص ۱۲-۱۳؛ فارابی، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۷۲). تبیین جامع جایگاه انگیزش در فعل ارادی، محتاج توجه به مخاطبان و نقش امیال در آن‌هاست.

جایگاه میل در عوام در تبیین نقش انگیزش در آن‌ها: هم فارابی و هم ابن‌سینا به تأثیرپذیری آراء از هواهای نفسانی و تبعیت افعال از امیال، اذعان دارند (فارابی، ۱۹۸۶، ص ۱۳۵-۱۳۶ و ۱۴۶؛ ۱۹۹۶ ب، ص ۸۳-۸۴؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۳۹). رأی و باور هر شخصی آن چیزی است که نفسش میل دارد و فعل او هم بر طبق همین باوری است که از میل نفس، سرچشمه گرفته است. به نظر می‌رسد در ارائه این دیدگاه صراحت بیان ابن‌سینا از فارابی بیشتر است. به بیان وی آراء بر اساس هواها و امیال هستند و اختلاف آن‌ها ناظر بر اختلاف هواهای نفسانی است.^۱ چنین آرای که بنیان آن‌ها را هواها و دوست داشتنی‌ها شکل می‌دهند، به عنوان گزاره‌های محمود در جامعه رشد می‌کنند و در خطابه استعمال می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۳۹). وی همچنین تأثیرپذیری تصدیقات از میل نفس در عوام را با اشاره به سنخ تصدیق عامی و خاصی مطرح می‌کند. به اعتقاد وی شخص خاصی به تصدیقی که امکان عناد نداشته باشد، حکم می‌کند (همان، ص ۳). اما شخص عامی وقتی که نفسش میل کند، تصدیق می‌کند و سعی می‌کند خود را از موضع عناد دور کند.^۲ میل چنین شخصی به تصدیق، مقارن با تصدیق و علت تصدیق است (همان، ص ۴). در توضیح این امر ابن‌سینا از مواضعی یاد می‌کند که شخص در ذهن، احتمال طرف دیگر را می‌دهد و به آن تصدیق می‌کند اما در عمل نه و در تبیین چنین تخالفی به امیال اشاره می‌کند که قوی‌تر از هر امر دیگری در مرتبه فعلی ظاهر می‌شود (همان، ص ۵۴). از علل چنین میلی می‌توان به شهادت و گواهی جمع اشاره کرد. به دلیل این که تبعیت مردم از باوری که خاستگاه جمعی دارد اعم از این که صادق یا کاذب باشد، بیشتر است. فارابی عنوان یقین بالعرض را بر چنین اعتقادی می‌نهد و به پیروی مردم از آن توجه می‌دهد (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۳، ص ۳۴۲-۳۴۳؛ همان، ج ۱، ص ۴۰۵). وی توضیح می‌دهد یقین بالعرض اعتقاد یقینی داشتن به امری است که اگرچه آن امر می‌تواند بنفسه صادق باشد اما میل و گرایش یافتن نفس و ذهن به آن نه از جهت مطابق با واقع بودن، بلکه از

۱- فان کل واحد یری ما یهوی و تختلف الآراء بحسب الأهوا (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۳۹).

۲- العامی يأخذ الامر مصدقا به، اذا مالت الیه نفسه و یتحری ان یمیط المقابل عن ذهنه (همان، ص ۵۳).

روی شهرت جمعی است (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۳، ص ۳۴۲-۳۴۳). به بیان وی امری که شهرت کمتری دارد مردم به آن توجهی ندارند (همان، همان، ج ۲، ص ۵۳۰). در نتیجه شناخت مشهورات در ایجاد چنین تاثیری بر مردم نقش دارد (همو، ۱۹۹۵، ص ۱۴۵-۱۴۶). فارابی معتقد است این میل می‌تواند هر دو طرف نقیض یک گزاره مشهور را شامل شود. به همین خاطر می‌گوید چه بسیار آراء در نفس واحدی آراء مشهور متضاد هستند که به حسب آن‌ها و به حسب تضاد مابین آن‌ها، افعال اختلاف می‌یابند، چون هیچ شخصی فعلی را انجام نمی‌دهد جز به حسب آراء در نفسش که اکثر این آراء گزاره‌های مشهور هستند. هنگام توجه به دو شق متضاد این آراء و استعمال این آراء در وقتی واحد حیرت بر انسان عارض می‌شود. همچنین به کارگیری این آراء در زمان‌های مختلف به اضطراب در افعال منجر می‌شود (همو، ۱۴۰۸ هـ ج ۳، ص ۳۴۴-۳۴۵). پیروی افعال از چنین آراییی را می‌توان با اشاره به مثال فارابی روشن‌تر ساخت. به بیان وی گاهی شخصی از روی میل بخشش می‌کند. چون معتقد است این فعل از مکارم اخلاق است و بر او واجب است آن را انجام دهد. در نتیجه وقتی این رأی مشهور محل توجه او باشد، در عمل بخشش می‌کند. ولی گاهی همان انسان به دلیل اعتنا به باوری دیگر، از بخشش صرف نظر می‌کند؛ زیرا معتقد است ثروت برای انسان مصونیت می‌آورد و حفظ آنچه مصونیت می‌آورد، واجب است. به نظر می‌رسد این الگو و ساختار را می‌توان در بسیاری از افعال انسان شاهد بود. گاهی چنین میلی ناظر بر امور مأنوس نزد مخاطب است. به همین دلیل ابن‌سینا می‌گوید: میل مردم به نفعی که شناخته‌اند، بیشتر از میلشان به جمیلی است که به آن انس ندارند (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۱۵۸) و با این سخن از ارتباط عاطفی افراد با مأنوسات سخن می‌گوید.

چنین میلی سبب توجه به جایگاه سنت غیر مکتوب نزد عوام می‌شود. سنت غیر مکتوب، چیزی است که بیشتر مردم به آن اعتقاد و باور دارند (همان، همان، ص ۹۴). به بیان ابن‌سینا شریعت و سنت‌هایی که راهنمای عمل انسان هستند یا خاص مکتوب به حسب شارع‌ها، بلادها و زمان‌های مختلف یا عام غیر مکتوب هستند (همان‌جا). بیشتر مردم به قسم دوم، اعتقاد و باور دارند. گاه این دو نوع از سنت، با هم مخالفت دارند. آنچه که محل توجه تحقیق حاضر است این است که در صورت تضاد احکام این دو نوع از سنت، به اعتقاد ابن‌سینا، مردم به سنت غیر مکتوب گرایش و تمایل خواهند داشت. چنین گرایشی ناظر به ارتباط عاطفی و قلبی است که افراد به سنن غیر مکتوب دارند و به علت همین ارتباط عاطفی است که فارابی بیان می‌کند هر چقدر نقل کنندگان یک رأی بیشتر باشند اطمینان، انفعال و میل ما نسبت به آن بیشتر می‌شود. از دیدگاه وی این اطمینان وقتی به غایت خود می‌رسد که همه مردم به

چنین رأیی اعتقاد داشته باشند^۱ (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۳۶۲ و ۴۷۳؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۹۴). با این تفسیر سنت غیرمکتوب و عواطف را می‌توان در مواردی به خصوص نزد عوام، به عنوان پایگاه رفتارها و اعمال شناسایی کرد و از نفوذ اقناع در این بعد سخن گفت. این قبیل باورها از جایگاه ویژه‌ای چه در بعد نظری و چه در بعد عملی در میان مردم برخوردار هستند. در نتیجه در بررسی مبانی افعال جمه‌ور، میل جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. برای همین است که نفوس به تصدیق و عمل به آن‌ها متمایل شوند. تصدیقات در صورتی که درونی نشده باشند و مخاطب نوعی میل نسبت به آن نداشته باشد، در عمل مورد غفلت واقع می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۵۴؛ همو، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۳۸۳). به اعتقاد فارابی و ابن‌سینا سخنان خطابی می‌توانند در جذب امیال، نافع باشند (فارابی، ۱۹۹۶/الف، ص ۴۱؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۵۶). نقش انگیزش در جذب امیال می‌تواند مرتبط با پیدایش انفعالات و استدراج مخاطبان باشد (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۵۷، ۳۲، ۱۲-۲۲، ۹۸، ۳۳، ۱۸). با نظر به جایگاه امیال در سطح نظری و عملی در مردم، همچنین نقش انفعالات و اخلاق در انجام افعال، می‌توان انگیزش را از عوامل اصلی اهتمام افراد به انجام افعال دانست (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۴۷۳-۴۷۵ و ۴۷۳؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۹۸). در نبود چنین انگیزشی، انجام افعال از بسیاری از افراد، غیرممکن به نظر می‌رسد. با روشن شدن جایگاه میل در افراد، اهمیت انگیزش و به تبع آن انفعال بیشتر می‌گردد چه آن‌که جایگاه امیال، ناظر به لحاظ نوع خاصی از مبدأ، برای افعال ارادی صادره از آن‌ها و ناظر به برخورد و مواجهه هر صنعت با نوع خاصی از مخاطب می‌باشد (همو، ۱۹۸۶، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ همو، ۱۴۰۸ هـ ص ۳۲۴). در نتیجه می‌توان از ضرورت مواجهه خطابی با بسیاری از افراد سخن گفت.

جایگاه انفعالی اقناع (وجه انفعالی اقناع)

تأثر انفعالی افراد، با توجه به جایگاه امیال، در دو بعد نظری و عملی قابل بررسی است. این دو بعد نسبت به یکدیگر خنثی نبوده بلکه تبعیت نظری مخاطب زمینه تبعیت عملی وی تلقی می‌شود و نه برعکس و گاه صرف تبعیت و همراهی نظری مخاطب مراد خطیب است (فارابی، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۷۲؛ همو، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۳؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۲۲۰، ۵۷، ۳۲، ۹۸، ۳۳، ۱۸، ۱۲، ۲۳، ۱۷، ۱۸، ۱۶، ۱۶، ۱۶). در باب تبعیت نظری، انفعالات حاصل از خطابه، سبب می‌شوند قلب‌ها به تصدیق متمایل شوند و به تکذیب و

۱- خواص نیازی به موافقت رأی خود با اکثریت ندارند و ملاک و میزان اطمینان به تصدیق، جایگاه تصدیق در میان مردم نیست بر عکس نزد عوام، همگانی بودن یک رأی، اطمینان نسبت به گزاره را افزایش داده و سکون نفس به همان میزان افزایش می‌یابد (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۳۶۲).

عنادورزی نسبت به مقابل آن باور گرایش یابند. گاه این انفعالات، تضعیف‌کننده عنادورزی مخاطب و در نتیجه سبب پذیرش رأی خطیب هستند. به اعتقاد فارابی خطیب می‌تواند سخن خصم را به گونه‌ای ظاهر سازد که نقیض سخن خصم آسان‌تر به ذهن آید و مقتضای نهفته در سخن خصم، در جایی که عدم تصریح به آن سبب اقناع شده باشد را، ظاهر سازد و با این روش مردم را به تصدیق رأی خود متمایل سازد (فارابی، ۱۴۰۸ هـ.ج، ص ۴۷۱-۴۷۲). از دیدگاه وی خطیب با ایجاد چنین انفعالاتی و با آراستن سخن خود و آشکار ساختن مواضع عناد باور رقیب و همچنین تحریف نمودن آن، قدرت بزرگی در تصدیق به باورها در میان مردم دارد. در نتیجه می‌توان از کاربرد مفاهیمی چون غضب، خوف، محبت، عصبیت، حمیت، غیرت، قسوت و ... در انفعال مخاطبان و شکل‌گیری باورها سخن گفت (همان، ص ۴۷۲-۴۷۳ و ۴۷۵). خطیب با استفاده این امور شرایطی را فراهم می‌کند که مخاطب در آن شرایط خود را آراسته به اخلاقی فرض کند تا رفتار متناسب با آن را انجام دهد اگرچه هیچ چیز از این خلیقات و اخلاق در او نباشد. این امر، نقش خطیب را در بعد عملی آشکارا نشان می‌دهد (همو، ۱۴۱۳ هـ.ص ۱۷۲).

ابن سینا نیز همچون فارابی وجه انفعالی خطابه و تأثیرات آن در بعد نظری و عملی را مورد توجه قرار می‌دهد. وی در بعد نظری به تدریج نزدیک کردن مخاطب به مطلوب، انفعال مخاطبان و مهیا نمودن شنوندگان برای تصدیق را در کیفیت تصدیقات دخیل می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۶۳ هـ.ص ۱۱) و در بعد فعلی توجه وی معطوف به عمل کردن به تصدیقی است که با چنین شیوه‌ای در مخاطب نهادینه می‌شود (همان، ص ۵۷۲، ۳۲۰-۳۳، ۱۲، ۹۸، ۱۱). کیفیت مطیع و مقهور سازی نظری و عاطفی به این نحو است که هیئت نفس مخاطب، از هیئت نفس خطیب، به وسیله سخنان، اقناعی حاصل می‌شود (همان، ص ۲۱۹-۲۲۰، ۱۲، ۱۱۲، ۳۲-۳۳). ایجاد این هیئت و حالت، موافق رأی همان انفعالی است که در پی انگیزش و سخنان اقناعی صورت می‌گیرد (همان، ص ۱۸). از دیدگاه ابن‌سینا استدراج شنوندگان به وسیله سخنان انفعالی و خطابی، سبب برانگیخته شدن محبت، طمع، غضب و ... می‌شود (همان، ص ۲۳۱، ۱۸، ۱۷، ۸۶). به تصریح وی چنین انفعالاتی گاه جانشین یقین می‌شوند و همچون خلیقات عمل می‌کنند و خطابه در این بعد می‌تواند مؤثر باشد. همانطور که اخلاق سبب می‌شود شخص اهل تسالم و سازش یا عنادورزی باشد، انفعال از امری نیز بر همین قیاس است. کسی که ترسیده^۱ و از مخالفت و سرانجام مخالفت بیم دارد، زودتر شهادت می‌دهد و گرایش به تصدیق پیدا می‌کند. همچنین کسی که به صورت انفعالی دلش به رحم می‌آید، زود تصدیق می‌کند. کسی که حالت قساوت به او دست داده سزاوارتر است به این که مهربانی نکند و از سر ترحم یا سایر اموری که بیان شد، تصدیق نکند. همچنین کسی که عجب

۱- منظور ترس آنی و لحظه‌ای است که به عنوان نوعی از انفعال و نه به عنوان نوعی خلق در این جا مطرح است.

نفس دارد میل و تصدیقش به مدح‌کننده‌اش بیشتر است. کسی که بر انسان غضب کند، شایسته‌تر است به این که تصدیقش تکذیب شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ ص ۱۱). در نتیجه ابن‌سینا در آثار خود در مواضعی منطقی به الزام خطیب به فراهم آوردن انواع و مواضعی در تعیین انفعالات و اخلاق توجه می‌کند (همان، ص ۱۶۴) از دیدگاه وی چنین انواعی باید متناسب با اصول عقل عملی باشند (شمس‌البنانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۰) وی در جستجوی مواضع و اصول عمل به این انواع توجه می‌دهد و از حیث کاربردی بودن آن‌ها، به تقسیم آن‌ها به نزدیک و دور و شدید و ضعیف می‌پردازد. موضع نزدیک‌تر و شدیدتر مناسب، آن موضعی است که به عرصه استعمال و عمل نزدیک‌تر باشد (ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ ص ۱۷۸-۱۷۹). با توجه به اهمیت بعد کاربردی هر نظریه نزد ابن‌سینا و وجود شرایط ترسیم شده توسط وی، روی آوردن به اقناع، برای پوشش دادن به این بعد عاطفی ضروری می‌نماید. وی انحصار صدور افعال ارادی به مبادی واحد را با اشاره به مبادی دیگری همچون خلقیات از میان بر می‌دارد و افعال صادر از اراده را هفت قسم می‌داند که برخی از آن‌ها از عادت و خلق، برخی دیگر از شوقی حیوانی تبعیت می‌کنند یا افعالی هستند که لذت، سبب انجام آن‌ها می‌شود. برخی از افعال نیز از شوق فکری یا شوق منطقی تبعیت می‌کنند (همان، ص ۹۶). با نظر در مبادی افعال، از دیدگاه ابن‌سینا قسمی از افعال را می‌توان حاصل از عقل و منطقی دانست اما سایر پایگاه‌ها ناظر به وجهی عاطفی و هیجانی در انسان هستند که به گونه‌ای در داد و ستد با انفعالات می‌باشند. از این جهت است که ابن‌سینا مؤلفه تبعیت و پیروزی عوام از عواطف و به تبع آن امیال و تأثیرپذیری آن‌ها از انفعالات را ملاکی برای نیاز جامعه در بعد رفتاری به خطابه می‌داند (همان، ص ۵۶). با روشن شدن جایگاه انفعالات در میان افعال مردم و نقش اقناع در ایجاد آن‌ها به بررسی سکون نفس که یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انفعالی این صنعت است، خواهیم پرداخت.

سکون نفس: فارابی سکون نفس را محصول اصلی اقناع می‌داند. شأن سخنان اقناعی این است که ذهن شخص به آنچه که به او گفته می‌شود، آرامش و سکون یابد. هر چقدر اقناع قویتر باشد، سکون نفس حاصل از آن بیشتر خواهد بود (فارابی، ۱۳۶۱، ص ۴۲-۴۱؛ همو، ۱۴۰۸هـ ج ۲، ص ۱۹؛ ج ۱، ص ۱۲۰ و ۱۲۱). ابن‌سینا نیز به چنین وجهی در اقناع توجه می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۶، ۲۱۸؛ همو، ۱۳۷۳هـ ص ۲۲۰). وی علاوه بر واژه سکون نفس به رکون به معنی اطمینان و اعتمادسازی در مخاطب نیز اشاره می‌کند (همو، ۱۳۷۳هـ ص ۲۲۰). همچنین وی مؤلفه سکون نفس را به تخیل نیز نسبت می‌دهد (همو، ۱۹۷۸، ص ۱۱۴). خاستگاه جمعی داشتن باورهای به کارگرفته شده در خطابه، سکون نفس را افزایش خواهد داد. فارابی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اقناع را تمکین آراء در نفوس می‌داند که به دنبال چنین تمکینی، سکون نفس حاصل می‌شود. به بیان وی اگر فیلسوفی خواهان تمکین آراء یقینی در جمهور باشد، باید آن‌ها را با روش‌های خطابی در نفوس مخاطبان جای دهد. در این صورت اذهان

مخاطبان، پیرو و منفعل از آن آراء می‌شود و به آن اطمینان می‌یابد (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۴۰۵). وی همچنین برخی از اقناع‌ها را که ناشی از انفعالات نفسانی هستند، واجد قدرت عظیمی در استقرار آراء در نفوس و ایجاد آرامش می‌داند (همان، ص ۴۷۱-۴۷۲). درجه اعتماد و اطمینان ناشی از اقناع، برای همه اشخاص، در یک سطح نیست، بلکه آرامش و اطمینان ناشی از ظن و اقناع به حسب هر یک از افراد است، نه به حسب نفس ظن. میزان چنین آرامشی را مخفی بودن عنادهای آن مشخص می‌کند به این معنا که هر چقدر گزاره، عناد کمتری در نسبت با شخص داشته باشد می‌توان از اطمینان و آرامش بیشتر وی سخن گفت (همان، ص ۴۶۰).

اقناع به عنوان خاستگاه عاطفی فعل ارادی

اقناع با دو وجه فعلی و انفعالی خود در صدور افعال ارادی دخالت دارد و می‌توان از آن به عنوان مبادی عاطفی فعل ارادی یاد کرد. در واقع برشمردن کارکردهای سخنان اقناعی و صنعت خطابی مجال چنین نقشی را فراهم می‌آورد. اقناع، در وجه فعلی خود علاوه بر این که به عنوان یک منبع معرفتی قابل اشاره است (فارابی، ۱۴۱۳ هـ ص ۱۲۲-۱۲۰؛ ۱۸۴؛ ۱۸۱-۱۷۸؛ همو، ۱۴۰۴ هـ ص ۱۷؛ همو، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۳۳۶؛ همو، ۱۳۴۱ هـ، ص ۴۷).

به دلیل ارتباط با بعد روانشناختی انسان عواطف و هیجان‌هایی را در مسیر فعل ارادی ایجاد می‌کند. انگیزش به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه اقناع در ایجاد افعال از افراد مؤثر است. در تبیین نقش انگیزش می‌توان به جهت‌دهی به امیال و برانگیختن آن‌ها اشاره نمود (همو، ۱۹۹۶ ب، ص ۴۱-۴۲؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۵۶). که می‌توان آن را از علل - صدور فعل (اعم از علت تامه یا ناقصه -) در نسبت با تعدد و تفاوت اشخاص دانست. کیفیت، نقش و میزان چنین انگیزشی در دو شخص ممکن است بسیار متفاوت باشد و در یکی سبب صدور فعل گردد و در دیگری از علل ناقصه عمل وی هم نباشد (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۴۶۰). از این جهت اقناع به عنوان خاستگاه انگیزش، از مبادی فعل ارادی محسوب می‌گردد.

در وجه انفعالی هم فرد در جایگاه تبعیت قرار می‌گیرد (ابن‌سینا، ۱۳۷۳ هـ ص ۵۶-۲۱۹-۲۲۰، ۱۸۱۷، ۱۲، ۳۳-۳۲). به این صورت که انفعالات بستر لازم و فضای روانی مناسب را برای صدور فعل توسط فرد فراهم می‌کنند. در ایجاد این زمینه نیز مخاطب‌شناسی نقش ویژه‌ای را برای تعیین مبادی متناسب با افراد برعهده دارد. شاید بتوان جایگاه انفعالات را در صدور فعل ارادی همچون انگیزش در مؤلفه «میل نفس» مورد توجه قرار داد و وجه عاطفی انگاری آن را در تامین فضای روانشناختی مناسب برای شکل‌گیری یک فعل و جهت‌دهی به یک میل تفسیر کرد (فارابی، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۴۰۵؛ ۴۷۱-۴۷۲، ۴۶۸، ۱۲؛ همو، ۱۳۴۱ هـ، ص ۴۱-۴۲؛ همو، ۱۴۰۸ هـ ج ۳، ص ۱۹) در این محور (بخش) تعدد خاستگاه‌های فعل

ارادی با تفکیک فعلی که به پشتوانه اندیشه قرار است انجام شود و فعلی که نوعی انفعال، سبب می‌شود فرد به انجام آن بپردازد، نشان داده می‌شود (ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ.ص ۹۸).

در نتیجه هنگام بر شمردن مبانی عاطفی افعال، باید به بخش انفعالی خطاب هم توجه شود چون در مواردی نبود این انفعالات، عملی شدن فعل را منتفی می‌کند (فارابی، ۱۴۱۳هـ.ص ۱۷۲؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ.ص ۱۲-۱۳) به همین خاطر بسیاری مواقع، مطلوب خطیب فقط ایجاد نوعی انفعال در فرد است (ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ.ص ۱۲ و ۹۶). چنین انفعالی - بر اساس فراهم نمودن آرامش خاطر و سکینه‌ای که گاه از رفع موانع صدور فعل شمرده می‌شود - بستر صدور فعل را فراهم می‌کند. وجه سوم عاطفی انگاری اقناع، در مبادی فعل ارادی، نقش معرفتی آن است که صور ذهنی حاصل از آن متناسب با سطح ادراکی جمهور است. در این وجه، ایجاد صور ذهنی نزدیک تر به عرصه عمل، سبب توجه به نقش معرفتی اقناع و کارایی آن در صدور افعال می‌گردد (فارابی، ۱۴۰۸هـ.ج ۱، ص ۳۸۳، ۴۰۵؛ همو، ۱۴۱۳هـ.ص ۱۶۷؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ.ص ۱۷۸-۱۶۴، ۱۷۹). برخی از این صور به دلیل این که برای مخاطب مانوس ترند و خواستگاه جمعی دارند، به عرصه عمل نزدیکتر هستند. برای ایجاد چنین تناسبی نگاه قیاسی حاکم بر صنعت خطابه اهمیت فراوانی دارد (فارابی، ۱۴۰۸هـ.ج ۳، ص ۳۳۶-۳۳۳؛ همو، ۱۴۰۸هـ.ج ۱، ص ۴۰۵؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ.ص ۹۴). در این صنعت مخاطب به عنوان مقصد خطابه در هر کاری که خطیب انجام می‌دهد لحاظ می‌شود، تا خطابه مؤثر افتد و در نتیجه انگاره‌ها و اقناعات متناسب با سطح ادراکی افراد در آن‌ها نهادینه شود (فارابی، ۱۴۰۸هـ.ج ۱، ص ۳۸۱). صورت علمیه متناسب با درک شخص، از حیللهایی است که خطیب با مراعات آن‌ها به مخاطب را به اغراض خود سوق می‌دهد (ابن‌سینا، ۱۳۷۳هـ.ص ۱۸)؛ زیرا مخاطب وقتی که با صورت ذهنی خود انس داشته باشد و آن صورت برای وی غریب نباشد، بخشی از همان سکینه و سکون نفسی که به عنوان مبادی فعل ارادی برشمرده شد و در انجام چنین فعلی به آن نیاز است، فراهم می‌شود که در نتیجه آن فرد به عمل می‌پردازد (فارابی، ۱۴۰۸هـ.ج ۱، ص ۴۰۵).

محورهای عاطفی انگاری اقناع و لحاظ آن در مبادی فعل ارادی در چند وجه خلاصه می‌گردد:

۱- انگیزش که در بررسی مبادی عاطفی، از حاجت به این امر در نسبت با اکثریت افراد یعنی عوام

سختن می‌رود؛

۲- سکون نفس و آرامش خاطر که بستر لازم را برای صدور فعل به نحو ارادی را از افراد فراهم می‌آورد؛

۳- استفاده از انگاره‌های عمومی و مشهورات جهت تناسب دادن میان صور علمی با سطوح ادراکی

اشخاص.

در بررسی این سه محور در نگاهی کلی‌تر می‌توان قسم سوم را به عنوان فرعی برای قسم دوم پذیرفت و به اقناع و کارکرد آن به نحو ثنائی نگریست. باید توجه داشت محورهای مبادی بررسی شده

مذکور (انگیزش و سکون نفس) اکثری بوده و نسبت به اکثریت افراد به نحو تشکیکی قدرت تأثیرگذاری دارند به این معنا که تأثیر این مبادی در ارتباط با تقسیم مخاطبان توسط فارابی و ابن سینا به دو دسته کلی عوام و خواص است. در پرتو توجه به خاستگاه عاطفی افعال، شاید بتوان به تعدد اشخاص از تعدد مبانی و خاستگاه‌ها سخن گفت و تعدد خاستگاه‌های صدور فعل در نسبت با تفاوت ادراکی مخاطبان را بتوان از لوازم غیر قابل اجتناب تعیین خاستگاه عاطفی برای افعال دانست (فارابی، ۱۴۰۱ هـ ج ۱، ص ۴۶۰؛ همو، ۱۹۰۰، ص ۲۲؛ همو، ۱۴۰۵ هـ الف، ص ۸۳، ۸۱، ۸۲؛ همو، ۱۴۰۴ هـ ص ۹۶-۹۷؛ همو، ۱۳۴۹ هـ ص ۸). به بیان فارابی گاه تأثیر این مبانی عاطفی در سطح فعلی بر تأثیر آنچه عقل می‌طلبد، سبقت می‌گیرد (همو، ۱۹۹۶، ص ۴۲-۴۳). توجه به این نکته ضروری است که عمل مخالف با صور علمی، لازمه اقناع نیست بلکه در موارد فراوانی این قسم از مبادی در خدمت آموزه‌های نظری و حکمت نظری هستند و بسته به اغراض خطیب، این امور می‌توانند در جهت مخالف با حکمت نظری به کار گرفته شوند و یا عمل مخالف با صور علمیه را طلب کنند که در این صورت با استفاده از روش‌های خود به تدریج صورت معارض به شخص انتقال داده می‌شود یا از مواضع عناد نسبت به آن کاسته می‌شود (همو، ۱۴۰۱ هـ ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۳ و ۴۰۵). ضمیمه شدن شوق، انگیزه و سکون نفس به این صورت ذهنی هم سبب عملی شدن آن می‌شود. در نتیجه میان عملکرد اقناع در مبادی فعل ارادی با عمل براساس عقل و صور علمیه، به عنوان مبادی عقلانی صدور فعل، ناسازگاری ذاتی برقرار نیست بلکه ناسازگاری زمانی ایجاد می‌شود که در مواد خاصی این دو خاستگاه، دو مطلوب متفاوت را دنبال کنند. به عبارت دیگر دوئیت و تضاد این دو مبدأ نسبت به یکدیگر تعریف نشده است بلکه اگر دوئیتی هم هست در موارد خاصی به تعدد اغراض است. عدم ناسازگاری ذاتی این دو منشأ از یکدیگر امکان تأثیر و تأثر میان آن‌ها را فراهم می‌آورد. اعم از این که این تأثیر در قالب تبدیل و انقلاب صور یا در قالب انزوای صور عقلانی و در نتیجه غفلت شخص از آن صور مطرح شود. می‌توان چنین تأثیری را از آراء فارابی و ابن سینا استنباط کرد. در نتیجه همان الگویی که فارابی و ابن سینا در باب جانشینی و سبقت تخییل بر صور حاصل از اندیشه مطرح می‌کنند، در ناحیه اقناع هم می‌توان شاهد بود (همو، ۱۹۹۶/الف، ص ۴۲-۴۳؛ ابن سینا، ۱۴۰۴ هـ ص ۲۸۶-۲۸۷). با نظر به توصیفات مطرح شده از افراد در بحث از امیال می‌توان از مدخلیت اقناع در سطح فعلی و از بازخوردهای عملی متفاوت افراد در سطوح مختلف ادراکی سخن گفت و آن را به عنوان نوعی پایگاه عاطفی در آن مبادی لحاظ کرد.

نتیجه‌گیری

تأثیرپذیری آراء و افعال از امیال و هواهای نفسانی، نیازمندی به انگیزش و سکون نفس را مطرح می‌کند.

اقناع با دارا بودن این دو وجه (انگیزش و سکون نفس) می‌تواند در تغییر، اصلاح و جهت‌دهی به افعال مؤثر و مورد توجه باشد و در توجه به این دو وجه می‌توان به خاستگاه عاطفی افعال توجه نمود. پرداختن به وجه عاطفی افعال، سبب توجه به مخاطب و گونه‌ای انعطاف در روش و راهبرد می‌شود. در چنین رویکردی از اهمیت یک صنعت یا روش خاص به صورت مطلق نمی‌توان سخن گفت بلکه تمامی احکام در این بعد به عنوان توالی قضایای شرطی مطرح می‌گردند. مثلاً اگر مخاطب عامی باشد و از عواطف، بیشتر متأثر باشد می‌توان صنعت خاصی را در مواجهه با وی به کار گرفت و مبادی عاطفی افعال را در نسبت با وی تقویت نمود. اگر در این عرصه به اقناع بی‌توجهی شود، با توجه به این‌که اقناع هم وسیله حربه و هم وسیله دفاع است رسانه‌های امروز و متولیان آن میل و انفعالات مردمی را در راستای اغراض خود به کار گرفته و به سوی اهداف خود متمایل خواهند نمود. مغفول ماندن پایگاه عاطفی، برنامه‌های عملی را با شکست مواجه خواهد کرد. در نقطه مقابل آن ارائه راهکارهای عملی و حل بسیاری از مسائل کمترین دستاورد توجه به تعدد خاستگاه‌های صدور فعل ارادی خواهد بود.

منابع و مأخذ

- ❖ ابن سینا، حسین بن عبد الله (۱۳۸۳)، *الاتسارات و التنبيهات*، قم، نشر البلاغه
- ❖ ——— (۱۳۷۳هـ)، *منطق الشفا*، تصدير و مراجعه دکتر ابراهيم مدكور، تحقيق محمد سليم سالم، قاهره، نشر وزاره المعارف العموميه، المطبعه الاميريه
- ❖ ——— (۱۴۰۴ هـ)، *الشفاء (الالهيات)*، تصحيح سعيد زايد، قم، مكتبه آيت الله المرعشي
- ❖ ——— (۱۹۷۸)، *كتاب الانصاف*، كويت، وكالة المطبوعات، چاپ دوم
- ❖ شمس ايناتي؛ السيد عمران (۱۳۸۰)، *آراء فارابي، ابن سينا و ابن رشد در باره شعر*، مترجم دقيقيان، شيرين دخت، زيبا شناخت، ش ۴، نيمه اول
- ❖ طباطبائي، سيد محمد حسين (۱۳۸۶)، *نهايه الحكم*، ج ۲، تصحيح شيخ عباس علي زارعي سبزواري، مؤسسه نشر اسلامي
- ❖ عبدالله، ناصر علي (۱۳۸۷)، *المعجم البسيط*، قم، ناشر انتشارات دارالفكر
- ❖ فارابي، ابونصر، محمد بن محمد (۱۹۹۶ الف)، *احصاء العلوم*، مكتبه الهلال، بيروت، مقدمه و شرح از دکتر علي بو ملحم
- ❖ ——— (۱۳۴۸)، *احصاء العلوم*، ترجمه حسين خديو جم، انتشارات بنياد فرهنگ ايران، زمستان
- ❖ ——— (۱۳۴۹هـ)، *في اثبات مفارقات*، حيدر آباد، دايره المعارف
- ❖ ——— (۱۴۰۴هـ)، *الالفاظ المستعمله في المنطق*، تحقيق و مقدمه و تعليق از محسن مهدي، تهران، نشر الزهراء، چاپ دوم
- ❖ ——— (۱۴۰۵هـ الف)، *فصوص الحكم*، انتشارات بيدار، قم، چاپ دوم، تحقيق از شيخ محمد حسن آل ياسين
- ❖ ——— (۱۴۰۵هـ ب)، *فصول منتزعه*، تحقيق و تصحيح و تعليق از دکتر فوزي نجار، تهران، المكتبه الزهراء، چاپ دوم
- ❖ ——— (۱۴۰۸هـ)، *المنطقيات*، تحقيق محمد تقی دانش پژوه، قم، مكتبه آيت الله المرعشي
- ❖ ——— (۱۴۱۳هـ)، *الاعمال الفلسفيه، تحصيل السعاده*، مقدمه و تحقيق و تعليق از دکتر جعفر آل ياسين، بيروت، دار المناهل

- ❖ — (۱۹۶۶)، *رساله فی العلم الالهی*، تحقیق عبدالرحمن بدوی، قاهره، دارالنهضه العربیه
- ❖ — (۱۹۸۶)، *الحروف*، مقدمه و تحقیق و تعلیق از محسن مهدی، بیروت، دارالمشرق
- ❖ — (۱۹۹۵)، *آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها*، مکتبه الهلال، بیروت، مقدمه و شرح و تعلیق از دکتر علی بو ملحم
- ❖ — (۱۹۹۶ب)، *السیاسه المدنیه*، مقدمه و شرح دکتر علی بو ملحم، بیروت، مکتبه الهلال
- ❖ — *فی السیاسه*، منتشر شده در مقالات الفلسفیه لمشاهیر فلاسفه العرب مسلمین و نصاری، نک: شیخون، لویس. نک: شیخون، لویس، ۱۹۰۰، *مقالات الفلسفیه لمشاهیر فلاسفه العرب مسلمین و نصاری*، دارالعرب بستانی، الطبعة الثالثه القاهره

